

آموزش توحید محور

توحید در صفات درمانگر ردائل اخلاقی

قال الرضا سلام الله عليه

کلمه لا اله الا الله فمن دخل حصنی امن من عذابی، بشرطها و شروطها و انا من شروطها.

کلمه «لا اله الا الله» حصار محکم من است هر کس آن را بگوید، داخل حصار من شده و هر کس داخل شود، از عذاب من در امان است و اما به شرطی و شروطی که من از شروطش هستم. فرمایش امام به این معنی است که توحید در صورتی مقبول درگاه خداوند است که همراه با پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام باشد.

حس حضور (بی‌نهایت الهی) بزرگ‌ترین حقیقتی است که آدمی در دنیا به آن نیاز دارد و تا این حقیقت بر او کشف نگردد اسیر تنگ‌نظری‌ها و محدودیت‌ها و اضطراب‌هاست و ناامنی‌هاست (چهار بعد جمادی، نباتی، حیوانی و علمی) و توحید باعث درمان ریشه‌ای ردائل اخلاقی است.

برای توضیح این مسئله به این مثال توجه کنید: در بیابانی آینه‌هایی با اندازه‌های مختلف نصب نموده‌اند که هر کدام نور به مقداری نور خورشید را در روز منعکس می‌کنند. اگر میان آینه‌ها مقایسه کنیم نور برخی بیشتر و نور برخی کمتر حتی ممکن است اگر آینه‌ها می‌فهمیدند برخی نور خود را به رخ دیگری کشیده و به نور زیاد خود افتخار می‌کردند. ولی آیا نور مال آینه‌هاست؟ آیا می‌توان گفت که آینه‌ها با خورشید در نور داشتن شریک هستند؟ یا اینکه همه نورها متعلق به خود خورشید است؟ اگر دقت کنیم آینه‌ها بین خودشان در نور شیکند ولی با خورشید شریک نیستند و در برابر خورشید نوری از خود ندارند در حقیقت همه نورها نور خورشید است و کار آینه‌ها منعکس کردن نور خورشید است. تا خورشید می‌تابد آنها نورانی‌اند و تا خورشید می‌رود همه تاریک می‌شوند. پس می‌توانیم بگوییم: همه نورها نور خورشید است و او در نور داشتن یکتا و بی‌شریک است.

مثل ما انسان‌ها در برابر خداوند مانند شمعی نیست که از خود نور دارد؛ ولی در برابر نور خورشید بسیار کمتر نور دارد و به حساب نمی‌آید. بلکه مثل ما مانند آینه‌هاست تمام صفات کمالی که در ماست (علم، قدرت، زیبایی و...) پرتوی صفات خداوند است که در ما می‌تابد و لحظه‌به‌لحظه به ما منعکس می‌شود و ما هر کدام به قدری که خداوند به ما ظرفیت داده آن نور را نشان می‌دهیم.

متأسفانه، ما انسان‌ها گاه دچار غفلت شده و فکر می‌کنیم (علم و قدرت و جمال و عزت و...) مال خودمان است؛ ولی اینها توهم است. خورشید محسوس دنیا چون گاهی در پس پرده تاریکی شب پنهان می‌شود نور آینه‌ها خاموش می‌شود ما می‌فهمیم که نور آنها از خودشان نبوده؛ ولی خورشید عالم هستی؛ چون هیچگاه غروب ندارد و آینه وجود ما همواره از نور او پر است گاهی توهم زده می‌شویم و فکر می‌کنیم نور از خود ماست و ما با خداوند شریکیم. دعاها و درگیری‌های آدمی در دنیا میان همین آینه‌هاست یکی خود را برتر و در نتیجه درگیری و اختلاف صورت می‌پذیرد.

بازنگری برنامه های درسی با محوریت ارتقا اشتغال پذیری دانش آموختگان

آموزش توحیدمحور

درس عملی

یکی از صفات مذموم (خودپسندی) است که نتیجه آن کبر (خودبرتربینی) و تکبر است که ریشه تمامی گرفتاری‌های انسان است و سایر صفات ناپسند که شادی و نشاط آدمی را نابود می‌کند به این صفت برمی‌گردد. یکی از راه‌های درمان این صفت این است که انسان همیشه مشغول عیوب خویش باشد و اصلاً به خوبی‌های خود نگاه نکند تا دچار خودپسندی شود؛ اما مداومت بر این روش ممکن نیست؛ زیرا خواهی‌نخواهی مؤمن، مؤمن می‌فهمد که خداوند نعمت‌های معنوی خاصی به او داده که به بسیاری دیگر نداده و اگر انسان به خوبی‌های خود نگاه کند و خود را مالک بداند طبیعتاً از خودش خوشش می‌آید و در نتیجه دچار (عجب) و خودپسندی می‌شود. راه قطعی و ریشه‌ای درمان این درد خانمان‌سوز توجه به توحید است. اگر انسان بفهمد که همچون آینه است و از خود هیچ ندارد جایی برای خود پندی باقی نمی‌ماند؛ زیرا چیزی ندارد که از خودش خوشش بیاید این دقیقاً همان تربیت دینی است که فرموده‌اند هرگاه صفت کمال در خود دیدید ذکر شریف (الحمد لله) بگویید؛ یعنی اعتراف کنیم همه خوبی‌ها متعلق به خداوند است و من از خود هیچ ندارم. وقتی انسان دیده حق‌بین و توحیدی پیدا کرد دیگر جایی برای صفت (خودپسندی) نمی‌ماند.

نمونه دیگری که مرحوم علامه طباطبایی (رحمه‌الله) به آن مثال می‌زند صفت (صبر) است در مکاتب اخلاقی وقتی صحبت از صبر می‌شود می‌گویند بی‌صبری نکن؛ چون در غیر این صورت آبرویت از بین می‌برد و یا صبر کن تا در امور موفق شوی یا اینکه آخرت بهتر شود و صواب می‌بری؛ اما خداوند راه درمان را توجه به توحید است.

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٥﴾

و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و مژده‌ده شکیبایان را

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿١٥٦﴾

[همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد می‌گویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم.

یعنی انسان باید صبر کند؛ زیرا اصلاً چیزی نداشته است که بخواهد بر آن غصه بخورد. (انا لله) یعنی اساساً ما مالک خودمان هم نیستیم؛ بلکه خودمان مال خداوندیم تا چه رسد به اینکه مثلاً فرزندان متعلق به ما باشد البته انسان به مقتضای عاطفه و احساس گریه و ناراحتی دارد؛ اما باعث تعطیلی زندگی و فعالیت نباید شود و خلاصه صبر حقیقی و کامل با توجه به توحید به دست می‌آید.